

گیلبرت ہاپت

ادیات و سنتهای کلاسیک

تأثیر یونان و روم بر ادبیات غرب

(بخش یکم)

ترجمہ

محمد کلباسی و مهین دانشور



فهرست تفصیلی

فصل ۱. مقدمه

| | |
|----|--|
| ۴۹ | جهان ما از لحاظ معنوی زاده بلافصل یونان و روم است |
| ۵۱ | در این کتاب چگونگی این وابستگی به شرح در آمده است |
| ۵۱ | زوال تمدن یونانی و رومی |
| ۵۲ | تمدن امپراتوری روم بسیار پیشرفته بود |
| ۵۳ | با انقراض این تمدن، اروپا به عصر بربریت بازگشت |
| ۵۴ | اعصار تاریک |
| ۵۴ | چگونه تمدن با تحمل حملات وحشیان زنده ماند؟ |
| ۵۴ | زبانهای جهان یونانی - رومی |
| ۵۵ | امپراتوری روم دوزبانه بود |
| ۵۶ | شقاق امپراتوری و تأثیرات آن |
| ۵۶ | زبان یونانی در غرب فراموش شد |
| ۵۶ | زبان لاتینی |
| ۵۷ | زبانها و لهجه‌های رومی |
| ۵۸ | زبان لاتینی کلیسا |
| ۵۸ | زبان لاتینی کلاسیک |
| ۵۹ | دین: فلسفه و فرهنگ عامه یونانی - رومی سبب غنای مسیحیت شد |
| ۶۰ | قانون رومی |
| ۶۰ | شعور سیاسی روم |
| ۶۱ | تاریخ و اسطوره |

| | |
|-----|---|
| ۷۶ | شعر غیردینی |
| ۷۷ | بیولف و هومر |
| ۷۷ | برخورد میان انسان و مادون انسان |
| ۷۸ | جهان بیولف |
| ۷۹ | شعر: تأثیر آثار کلاسیک و آثار مسیحی بر آن |
| ۸۳ | شعر حماسی و سقوط امپراتوری روم |
| ۸۴ | شعر مسیحی |
| ۸۵ | کدمون |
| ۸۵ | تفاسیر کتاب مقدس |
| ۸۷ | کینه و لف |
| ۸۹ | رؤیایی صلیب |
| ۸۹ | قفنوس |
| ۹۰ | منابع لاتینی آن |
| ۹۱ | تغییراتی که به دست مترجم انگلیسی در آن صورت گرفته |
| ۹۱ | اهمیت منظومه |
| ۹۵ | پیشروزی که فرهنگ بریتانیا در اعصار تاریک به وجود آورد |
| ۹۵ | نشر آنگلوساکسون |
| ۹۶ | دو برخورد بالاهمیت: |
| ۹۶ | کلیساي بریتانیا در برابر کلیساي روم |
| ۹۶ | پلاگیوس |
| ۹۷ | آگوستین، تئودور، هادریان |
| ۹۷ | گیلداس وآلدهم |
| ۹۸ | بید |
| ۱۰۰ | آلکوئین و جان اسکاتوس |
| ۱۰۱ | آنگلوساکسونهای مسیحی در برابر ملحدان شمالی |
| ۱۰۲ | الفرد و ترجمه‌های او |
| ۱۰۳ | کتاب شبانان |
| ۱۰۳ | تاریخ مذهبی بریتانیا |
| ۱۰۳ | تاریخ بر ضد اهل شرک |

| | |
|----|--|
| ۶۲ | قرون وسطی |
| ۶۲ | پیشرفت تدریجی تمدن: رشد آموزش |
| ۶۲ | دانشگاهها |
| ۶۳ | نظام رهبانی |
| ۶۳ | مکاتبه و سفر |
| ۶۳ | زبان جهانی لاتینی در برابر لهجه‌های محلی |
| ۶۴ | کتابها و کتابخانه‌ها |
| ۶۵ | زبان یونانی هنوز محدود است |
| ۶۶ | گسترش زبانهای اروپایی غربی از بطن زبان لاتینی |
| ۶۶ | رنسانس |
| ۶۷ | گسترش سریع فرهنگ: کشفیات تازه در ادبیات و هنر |
| ۶۷ | نسخه‌های خطی کتابهای فراموش شده و نویسندهان گم شده |
| ۶۸ | کشف آثار هنری کلاسیک |
| ۶۸ | کشف دوباره زبان یونانی کلاسیک |
| ۶۹ | زبان محاوره |
| ۶۹ | زبان توشتار |
| ۷۰ | نسخه‌های خطی |
| ۷۰ | تأثیر حرکت آفرین این کشفیات |
| ۷۰ | پژوهش معارف کلاسیک رو به بهبود می‌گذارد |
| ۷۱ | زبانهای رومیایی و زبان انگلیسی غنی می‌شوند |
| ۷۱ | (زبانهای توتنه و اسلامی از دایرة این تأثیر بیرون می‌مانند) |
| ۷۲ | بهبود سبک |
| ۷۳ | کشف شکلهای ادبی |
| ۷۳ | کاوش در تاریخ و اساطیر کلاسیک |
| ۷۴ | نوشتن مفاهیم زیبایی |
| ۷۵ | فصل ۲. اعصار تاریک: ادبیات انگلیسی |
| ۷۶ | ادبیات انگلیسی، مهمترین ادبیات اروپا در اعصار تاریک |
| ۷۶ | شعر آنگلوساکسون |

| | |
|-----|---|
| ۸۸۴ | رابطه بین جهان نو و جهان کلاسیک |
| | حوالی بخش دوم |
| ۸۸۶ | حوالی فصل ۱۴: نبرد کتابها |
| ۸۹۳ | حوالی فصل ۱۵: مختصری در باب باروک |
| ۸۹۸ | حوالی فصل ۱۶: تراژدی باروک |
| ۹۰۰ | حوالی فصل ۱۷: هجتو |
| ۹۰۷ | حوالی فصل ۱۸: نثر باروک |
| ۹۱۶ | حوالی فصل ۱۹: عصر انقلاب |
| ۹۴۳ | حوالی فصل ۲۰: پارناسوس و ضد مسیح |
| ۹۵۱ | حوالی فصل ۲۱: عصر دانش پژوهی |
| ۹۵۸ | حوالی فصل ۲۲: شاعران نمادگر و جیمز جویس |
| ۹۶۴ | حوالی فصل ۲۳: تفسیر تازه اساطیر |
| ۹۶۹ | حوالی فصل ۲۴: فرجام سخن |
| ۹۷۱ | کتابنامه |
| ۹۷۷ | نمایه |

| | |
|-----|---|
| ۸۷۳ | عناصر فوق طبیعی |
| ۸۷۳ | فصاحت |
| ۸۷۴ | اساطیر همیشگی‌اند |
| | فصل ۲۴. فرجام سخن |
| ۸۷۵ | جریان مداوم تأثیر نویسندهای کلاسیک بر ادبیات جدید |
| ۸۷۵ | نویسندهای دیگر و جلوه‌های دیگر این تأثیر |
| ۸۷۶ | اندیشه فلسفی یونانی - رومی |
| ۸۷۶ | تأثیر حرکت‌آفرین غیرمستقیم کلاسیکها |
| ۸۷۶ | واگنر |
| ۸۷۷ | ویتمن |
| ۸۷۷ | تولستوی |
| ۸۷۷ | موضوع آموزش |
| ۸۷۸ | جريانهای بیرون از دایره تأثیر فرهنگ یونانی - رومی |
| ۸۷۸ | این تداوم غالباً دست‌کم نادیده گرفته می‌شود |
| ۸۷۹ | زبانها را نمی‌توان مرده خواند اگر هنوز کتابهایشان خوانده می‌شود |
| | و قایع تاریخی را، اگر هنوز نتایجی از آنها بهار می‌آید نمی‌توان نابوده شده |
| ۸۸۰ | پنداشت ادبیات زمان حالی ابدی است |
| ۸۸۱ | تداوم ادبیات غرب: آنچه که یونان و روم به ما آموخته‌اند |
| ۸۸۱ | افسانه‌ها |
| ۸۸۱ | زیان و فلسفه |
| ۸۸۱ | الگوهای ادبی و آرمان او مانیسم |
| ۸۸۱ | تاریخ و آرمانهای سیاسی |
| ۸۸۲ | معنای روانشناسی اساطیر |
| ۸۸۲ | مسیحیت در برابر شرک یونانی - رومی |
| ۸۸۲ | ماتریالیسم در برابر تفکر و هنر |
| | تمدن به معنای گردکردن ثروت نیست، تمدن حیات شایسته ذهن و روح آدمی |
| ۸۸۲ | است |
| ۸۸۳ | تمدن به معنای تعلیم و تربیت است |

مقدمه

دنیای جدید، به دلایل بسیار، ادامه دنیای یونان و روم است. البته نه در تمام رشته‌ها بهویژه نه در پزشکی، موسیقی، صنعت و دانش عملی. اما در بیشتر فعالیتهای عقلانی و معنوی، ما نوادگان رومی‌ها و نبیرگان یونانی‌ها هستیم. دیگرانی هم در ساختن آنچه ما امروز هستیم سهیم بوده‌اند، اما نقش یونان و روم در این میان از همه نیرومندتر و مؤثرتر بوده است. تمدن ما بدون یونان و روم مسلمًا چیز دیگری می‌شد؛ چیزی به مراتب ضعیفتر، ناقص‌تر، بی‌اندیشه‌تر و بسیار مادی‌تر از آنچه هست و اگر دستاوردهای معنوی آن چنین عظیم نبود، با همه ثروتها، جنگها و اختراعاتش به حقیقت شایسته نام تمدن نمی‌بود.

یونانی‌ها، و برادر آموزش‌های آنها رومی‌ها، مدنیت اصیل و پیچیده‌ای پدید آورده‌ند که هزار سال بالاید و فقط در نتیجه یک سلسله یورش‌های مکرر، جنگ‌های داخلی، بیماریهای همه گیر، بحرانهای اقتصادی و بلایا و مصائب اداری، اخلاقی و دینی از پای درآمد و نابود شد. البته کاملاً از میان نرفت. پدیده‌ای تا این حد بزرگ و دیرسال به سهولت نابود نمی‌شود. بخشی از آن اعصار سراسر رنجی را، که طی آن تمدن غرب بار دیگر آرام آرام پی‌ریزی می‌شد، از سرگذراند، و گرچه دگرگونی پافت اما از میان نرفت. لیکن بخش اعظم این تمدن را امواج جاهلیت فروپوشانید و مدفون کرد و از یادها برداشت. اروپا به عقب و قهقهه لغزید، و تقریباً به توحش بازگشت. تمدن غرب عمده‌ای به برکت کشف دوباره فرهنگ فراموش شده یونان و روم، دوباره شکفت و ساخته شد. نظامهای بزرگ فکری، آثار شگرف و استادانه هنری تا ماده واسطه انتقال بر جای است از میان نمی‌رونند و به سنگواره بدل نمی‌شوند، زیرا سنگواره مرده است و تولید مثل نمی‌تواند بکند، حال آنکه آثاری از این دست، تا

گیلبرت هایت

ادبیات و سنتهای کلاسیک

تأثیر یونان و روم بر ادبیات غرب

(بخش دوم)

ترجمه

محمد کلباسی و مهین دانشور



۱۴

نبرد کتابها

در سده‌های هفدهم و هجدهم، جدالی بسیار مشهور و سخت طولانی درگرفت که نه تنها عالم ادبیات بلکه جهان علم، دیانت، فلسفه، هنرهای زیبا و حتی آموزش علوم کلاسیک را آشفته کرد. این جدال هرگز به نتیجه نرسید و به خصوصیاتی که شخصی نسبتاً ناچیز، به خصوصیاتی زودگذر میان مردان، زنان و عالم نمایانی که اکنون فراموش گشته‌اند آلوه شد. موضوع آن از سوی هیچیک از دو طرف مخاصمه به وضوح اعلام نشد. بعضی از سلسله جنبانان از هدف خویش به دور افتادند، و «یک لحظه در تاریکی درخشیدند»، مهار احساسات چنان رها شد که اصل قضیه سراسر مایه خنده و مضحکه گردید، و اکنون نیز با عنوان طنزآمیز نزاع بین کنه و نو^۱ و «نبرد کتابها» از آن یاد می‌کنند. [۱]

با این همه، این جدال حائز اهمیت بود. نخست به این دلیل که بحثی که در باب ذوقیات درگرفته بود سالها دوام آورد و توجه بسیاری را به خود جلب کرده بود. این اهمیت داشت و نشان می‌داد که معیارهای نقد و به تبع آنها معیارهای ادبیات ترقی بسیار کرده است. دوم آنکه شخصیت‌های دخیل در این جدال کسانی چون پاسکال، بولو، بتلی، و سوئیفت از بزرگترین مردان عصر بودند. دلیل سوم آن بود که مباحث مورد گفتگو بسیار مهم بود و هنوز نیز اهمیت خود را از دست نداده است. این مسائل (هرچند غالباً با هیئت مبدل و آمیخته به سوء تعبیر) تقریباً در همه مباحث مربوط به تعلیم و تربیت، نقد زیبایی شناسی و انتقال فرهنگ تکرار می‌شود. نبردی که در پایان قرن هفدهم در فرانسه و انگلستان روی داد، تنها یکی از برخوردهای